فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۴۷-۱۳۳ New Period 4, No 31, 2021, P 133-147
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

بررسی تطبیقی شعر طاهر بیگ جاف با رهی معیری از دیدگاه سبک شناسی

دکتر هادی یوسفی[1]. شهین رحیمی[2]
۱. استاد راهنمای دانشجو
۲. کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور سنندج، ایران

چکیده

شعر کهن فارسی با تلاش و کوشش سخنوران نامور ایرانی بیش از هزار سال است که شرق و غرب عالم اسلامی را در نوردیده است و ستارگان فراوانی در آسمان ادب فارسی درخشیده‌اند رهی معیری از شاعران نامی معاصر است که سبک سخن روی هم متأثر از شاعران کهن پارسی است و هم معانی و مضامین دوره جدید را نیز در بر دارد. سبک شاعران معاصر ایرانی دنباله سبک دوره بازگشت و مشروطه است. شعر دوره بازگشت مشتمل بر خلاصه‌ای از همه سبک‌ها و جریانات مهم ادبی دوره‌های قبل است. محمد حسن رهی معیری از غزلسرایان مشهور معاصر است که از جهات مختلف تحت تأثیر شاعرانی همچون سعدی، حافظ، مولوی و مصائب قرار داشته است. در کردستان عراق نیز شاعران کرد عراقی که به ادب پارسی دلبستگی و علاقه ای فراوان دارند علاوه بر اشعار کردی اشعاری نیز به پارسی سروده‌اند و چون این شاعران با شاعران دوره باز گشت و مشروطه ایران هم عصر بوده‌اند از مضامین شعر و سبک آنان پیروی کرده‌اند که در این تحقیق طاهر بیگ جاف که غزل‌های فراوانی نیز به فارسی دارد برای تطبیق سبک شناسانه به لحاظ زبانی، ادبی و فکری) با رهی معیری در نظر گرفته شده است. این پژوهش در پنج فصل فراهم آمده است که نتایج به دست آمده، در پایان هر فصل و بطور کامل در فصل پنجم فراهم آمده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رهی و طاهر بیگی جاف در انتخاب اوزان روان و خوش آهنگ و قوافی و ردیف‌های فعلی و اسمی با هم اشتراک فروان دارند. تیز هر دو به مضامین عاشقانه، عرفان، حکمت و دین روی آورده‌اند. بیشتر مضامین شعر طاهر بیگ همان مضامین کهن و سنتی شعر فارسی است اما در شعر رهی جلوه‌هایی از سبک هندی و مضامین تو هم یافت می گردد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات تطبیقی، شعر فارسی، سبک شناسی، طاهر بیگ جاف، رهی معیری

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مقدمه و طرح مسئله

«ادبیات تطبیقی عبارت از بررسی ادبیات ملتی با توجه به روابط تاریخی و فرهنگی آن با ادبیات ملل دیگر و اثرپذیری و اثرگذاری‌های آنها بر یکدیگر است. «در تعریف فرهنگستان زبان و ادب فارسی ادبیات تطبیقی به گروهی از مطالعات ادبی می‌گویند که با هدف بررسی اشتراکات، تشابهات و تواردات ادبی در ادبیات دو یا چند ملت صورت می‌گیرد» (آذر، ۱۳۸۷ : ۳۷). اولین بار بحث‌های مربوط به این شاخه‌ی ادبی، در فرانسه آغاز شد. به طور دقیق «در ۱۸۲۸م»، ویلمن، از استادان دانشگاه سوربن، برای نخستین بار اصطلاح ادبیات تطبیقی را به کار برد. البته پیش از او، ژان ژاک آمپر، از استادان دانشگاه سوربن، کلاس‌های درس خود را در این زمینه تاریخ تطبیقی ادبیات‌ها نامید. عراق، شاعران کرد عراقی که به ادب پارسی دلبستگی و علاقه‌ی فراوان دارند، علاوه بر اشعار کردی، اشعاری نیز به پارسی سروده‌اند و چون این شاعران با شاعران دوره‌ی باز گشت و مشروطه ایران هم عصر بوده‌اند، از مضامین شعری و سبک آنان پیروی کرده‌اند. طاهر بیگ جاف از شاعران برجسته ی کرد عراق مقارن با دوره ی قاجاری در ایران است. اشعار وی نزدیک به سبک عراقی و سبک شاعران بازگشت ادبی در ایران است. وی علاوه بر اشعار کردی، ابیات فراوانی به فارسی سروده است و اکثر شعرهای او در قالب غزل است (روحانی، ۱۳۷۱: ۵۵۰). شاعران دوره ی قاجار، به زعم خود، جهت رهائی ادبیات از چنگال ابتذال و تدنی سبک هندی، چاره را در رواج ادبیات قدیم دیدند و از این رو در قصیده به تقلید قصاید سبک خراسانی قرن پنجم و ششم و در غزل به تقلید غزلیات سبک عراقی پرداختند. رهی معیری از غزلسرایان مشهور و معاصر است که از شیوهی کهن پیروی کرده است. محمدحسن رهی معیری از معدود شاعران معاصر است که شبیه به گویندگان سبک عراقی شعر سروده – است» (معیری، ۱۳۸۵ : ۱۵). محمدجعفریاحقی در کتاب «چون سبوی تشنه» شعر او را همپای شعر سعدی دانسته است. شعر وی از لحاظ مضمون و عبارت‌پردازی تفاوت‌هایی با شعر کهن فارسی دارد و آن در اصطلاحات جدید و بیان مطالبی است که در ادب کهن فارسی موجود نبوده است. این دو شاعر هم عصر نیستند اما اشعارشان بهم نزدیک است و شعر این دو شاعر متأثر از گویندگان سبک عراقی و سبک اشعار کهن فارسی می‌باشد (یاحقی؛ ۱۳۷۸، ۱۸۴). ادبیات تطبیقی ناظر به روابط ادبی میان ملت‌ها بوده و نقش زبان نیز در این قبیل بررسی‌ها، تعیین‌کننده است؛ به عبارتی اختلاف زبان شرط اصلی پژوهش‌های تطبیقی است. این در حالی است که عملا اخذ و اقتباس‌های ادبیات کشورهای مختلف مدنظر قرار می‌گیرد و تفاوت ملیت و زبان، زمانی که در حوزه‌ی یک کشور باشند، کمتر مورد بحث قرار گرفته است. همچنان که در ایران، کشوری با اقوام و ملیت‌های متعدد و زبان‌های گوناگون، باید به تأثیرگذاری آنان بر هم و بویژه به تأثیر زبان و ادبیات غالب کشور، بر هر یک از آنها، توجه جدی شود. بنابراین با توجه به مطالب ارائه شده هدف از مطالعه ی حاضر شناخت دقیق و تطبیق ویژگی‌های سبکی رهی معیری و طاهر بیگی جاف، از شاعران برجسته‌ی کرد عراق که کاخ رفیع ادب پارسی را در سرزمین عراق برافراشته است

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

و شناخت سبکی اشعار این دو شاعر و مقایسه آنها با سبک عراقی و بازگشت ادبی و همچنین بیان تشابهات و اختلافات شعری اشعار طاهر بیگ جاف با رهی معیری بود.

چهارچوب نظری تحقیق

سبک‌شناسی:

یکی از مهمترین مسائلی که در حوزه ادبیات و زبان‌شناسی در هر فرهنگ و زبانی می تواند به شناخت لایه‌های عمیق فکری و نگرشهای شخصی و جمعی هنرمندان توجه کند و اثر انگشت آنها را در لابه‌لای واژگان و اصطلاحات خاص هنریشان بشناسد و به مخاطب بشناساند، سبک‌شناسی است. «سبک حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان درون و بیرون است که لزوما در شیوه خاصی از بیان تجلی می‌کند و هر دید ویژهای در زبان ویژه‌ای رخ می‌نماید» (شمیسا؛۱۳۷۹: ۱۵).

سبک از نظر منتقدان

آرتور شو(۱۷۸۸-۱۸۶۰م) سبک را سیمای فکر انسان می‌داند و آن را راهی مطمئن برای شناخت خلق و خوی انسان می‌شناسد و به نظر وی تقلید از سبک دیگران در حکم نقابی است که شخص بر چهره خویش بسته است. شاعران و نویسندگانی که افکاری سست و ضعیف دارند، اندیشه‌ی خود را به سبکی متصنع و پر از حشو و اطناب بیان می‌نمایند و کاستی و حقارت اندیشه خود را زیر پوشش الفاظ و تصنعات ادبی پنهان می‌کنند (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۱۵-۲۱).

در باب سبک، کهن‌ترین اشارات را در آثار بازمانده از یونان باستان و در کتاب‌های مربوط به فن خطابه می‌توان دید. در مجموع در مباحث سبکی در آثار اروپائیان، دو دیدگاه افلاطونی و ارسطویی قابل تشخیص است. بنابر دیدگاه افلاطونی، سبک، کیفیتی است که در بعضی از آثار ادبی وجود دارد و در بعضی وجود ندارد. از این دیدگاه سبک به معنی هماهنگی کامل میان الفاظ و اندیشه‌ها است، بنابراین نویسنده یا شاعری صاحب سبک است که برای بیان اندیشه خود واژه‌های مناسب و شیوه بیان درست یافته باشد. در دیدگاه ارسطویی سبک، محصولی از عوامل متعدد است که در اثری جمع می‌شود و آن را از سایر آثار مشابه متمایز می‌کند، بنا بر این دیدگاه، به تعداد آثار، سبک وجود دارد (امین‌پور، ۱۳۸۴: ۱۸۲-۱۷۹).

شعر کلاسیک کردی و ادبیات فارسی

شعر کلاسیک کردی نیز از لحاظ فرم و محتوا با ادب کهن فارسی پیوسته است و شاعران این سبک چه در اشعار پارسی و چه در اشعار کردی خویش از ادب کهن فارسی متأثر بوده‌اند اما متأسفانه تاکنون کمتر

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

به بررسی این تأثیرات پرداخته شده است و جای این شاعران ایران دوست، که در کشور عراق ادب فارسی را ترویج داده اند، در ادبیات و تاریخ ادبیات ما خالی است. از طرفی هم ادبیات فارسی و فکر ایرانی در وضعی بوده است که با ادبیات و فکر سرزمین‌های مختلف در آمیزد و وجوه تشابه یا خویشاوندی‌هایی با آن بیابد. بنابراین «پژوهش‌های تطبیقی، نه تنها برای سیراب کردن حس کنجکاوی و حقیقت‌جوئی است، بلکه ما را بر ارزش آنچه داریم بهتر آگاه می‌کند و نیز از این حالت شورانگیز برخوردار می‌دارد که جزر و مدها و پیچ و تاب‌های روح آدمیان را در دوره‌ها و سرزمین های مختلف در کنار هم بسنجیم» (اسلامی ندوشن؛ ۱۳۴۹:۵). این پژوهش بر آن است تا دو دیوان اشعار کردی و فارسی طاهر بیگ جاف و رهی معیری را از دیدگاه سبک‌شناسی بررسی و مقایسه نماید؛ بررسی سبکی و مقایسه ی این اشعار، پلی است میان ادبیات کردی و ادبیات فارسی. اشعار طاهر بیگ جاف و رهی‌معیری متأثر از سبک باز گشت ادبی در ایران است که بررسی صورت و محتوای این اشعار می‌تواند حدود این تأثیرات را برای ما آشکار گرداند. در این پژوهش به بررسی جنبه‌های زبانی، ادبی و فکری همچون قوالب و اوزان بکار رفته در این اشعار، ترکیبات فارسی موجود در آنها و موضوعات و مضامین به کار رفته در آنها پرداخته می‌شود؛ تا ضمن معرفی شاعری برجسته.

معرفی اجمالی رهی معیری:

"محمد حسن رهی معیری در دهم اردیبهشت ۱۲۸۸ هش در تهران متولد و در ۲۴ آبان ماه سال ۱۳۴۷ دیده از جهان فروبست و در مقبره ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. رهی از دوران طفولیت دارای قلبی رئوف و مهربان بود. با اینکه به علم موسیقی ایرانی آشنا بود، هیچگاه در صدد آموختن ساز برنیامد. پس از پایان تحصیلات، جذب مشاغل دولتی شد و از جمله در سال ۱۳۲۲ مدتی ریاست انتشارات و تبلیغات وزارت پیشه و هنر را بر عهده داشت. اما چون مشاغل اداری را با روحیه ی حساس خود هماهنگ نمیدید، عمر فعالیت‌های اداری وی چندان طول نکشید و به صورت یکی از اعضای مؤثر انجمن موسیقی ملی و انجمن فرهنگستان ایران در آمد. معیری در شیرین زبانی، آداب معاشرت و مجلس‌آرایی نظیر نداشت. رهی معیری از معدود شاعران معاصر است که شبیه به گویندگان سبک عراقی شعر سروده است. اولین مجموعه سروده‌های رهی در ۱۳۴۴ تحت نوان «سایه ی عمر» منتشر شد. کلمه‌ی رهی را که به معنی بنده و خاک راه می‌باشد - از طریق افتادگی، برگزید. رهی معیری آنقدر پاک و ساده و روان سخن می‌گوید که بی‌اختیار خواننده را به شعر گفتن وامی دارد. (زمانی؛ مقدمه دیوان، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۲).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

سبک و شیوه‌ی شاعری رهی معیری

رهی‌معیری از غزلسرایان مشهور و معاصر است که از شیوه‌ی کهن پیروی کرده است و از جهات مختلف تحت تأثیر شاعرانی همچون سعدی و حافظ و مولوی و صائب و حتی در مواردی مسعود سعد سلمان قرار داشته اما بیش از همه از سعدی مایه گرفته است. «عشق و شیفتگی او به سعدی، سخنش را از رنگ و بوی شیوه‌ی استاد برخوردار کرده و همان سادگی و روانی و طراوت غزل‌های سعدی را در برگرفته است» (زمانی؛ مقدمه دیوان، ۱۳۸۵:۹). اشعار رهی آئینه‌ای است از روح پاک و بی‌آلایش او؛ مناعت و استغنای طبع و صفای باطن او از گفتارش به خوبی هویدا است. وی در قالب‌های غزل، قصیده، قطعه و رباعی شعر سروده است. رهی شیوه و اسلوب خاص خود را دارد و با وجود شباهت‌های که به شعرای مختلف دارد، طرزی منحصر به خود پیش گرفته که قابل توجه است. تشبیهات نو و تعبیرات تازه در شعر او فراوان است.

مختصات فکری رهی معیری:

بازتاب علوم و اعتقاد به جبرگرایی:

عود، از آلات‌موسیقی است اشاره شاعر به علم موسیقی)؛ اصطلاحات و ترکیبات فلک، خورشید، گردون، کوکب، چرخ، طالع، جوزا؛ این اصطلاحات مربوط به علم نجوم هستند؛ همچنین اندیشه جبرگرایی و قضا و قدر که یکی از اصول اساسی تفکر اشعری است را بیان می‌کند.

من زمزمه‌ی عودم، تو زمزمه‌پردازی　　من سلسله‌ی موجم، تو سلسله جنبانی

دیوان رهی معیری، ۱۳۸۵:۲۰)

جز خون دل زخوان فلک نیست بهره‌ای　　این تنگ چشم طاقت مهمان نداشته است

بازتاب فرهنگ اسلامی

واژه های خدا، احباب، مرگ و حیات، یارب، آیت، معدلت، کفر، حضرت، لغات و اصطلاحات دینی و مذهبی هستند؛ لغات احباب، یارب، حضرت، جنت، معدلت، عربی هستند.

جلوه صبح و شکر خنده ی گل و آوای چنگ　　دلگشا باشد، ولی چون صحبت احباب نیست

(دیوان رهی معیری، :۳۷)

معنی مرگ و حیات ای نفس کوته بین یکیست　　نیست فرقی بین آغاز شب و انجام صبح

(همان:۵۶)

نعت و منقبت پیامبر (ص)

این شعر در نعت پیامبر (ص) و منقبت ائمه (ع) و بیان عظمت و بزرگواری‌های ایشان و اشاره به ارادت شاعر به پیامبر (ص) است.

شاه دین، خواجه لولاک، محمد که دو کون　　بر میان بسته چو جوزا کمر چاکریش

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

سرور عالم و خواجه دو جهان آنکه خدای کرده فرقان مبین معجز پیغمبریش

تفکر غنایی:

در ابیات زیر اندیشه‌ی باده‌گساری، غم‌گرایی، فراق، شکایت از منسوخ شدن مهر و وفا، اندیشه روی آوردن به سوگ، یأس، ناامیدی و بدبینی و نیز زبونی عاشق، جفاکاری معشوق، عدم التفات معشوق به عاشق، ناکامی عاشق وجود دارد.

باده‌گساری

زان می که در شبهای غم، بارد فروغ صبحدم غافل کند از بیش و کم، فارغ ز تشویشم کند

نور سحرگاهی دهد، فیضی که می خواهی دهد با مسکنت شاهی دهد سلطان درویشم کند

(دیوان رهی معیری، ۱۳۸۵: ۲۲)

اول کنم اندیشه ای تا برگزینم پیشه‌ای آخر به یک پیمانه می اندیشه را باطل کنم

(همان:۲۸)

اندیشه‌های اجتماعی و آزادی خواهانه: یکی از مضامینی که در دوره‌ی معاصر وارد ادبیات شد و در شعر شاعران سلف بی‌سابقه است، رواج اندیشه‌ی آزادی، تساوی و برابری میان زنان و مردان و همچنین دفاع از حق زنان و آزادی آنها است. این مضمون در ادب کلاسیک جایی نداشت اما در میان شاعران بعد از مشروطه به دلیل تغییر در شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مردم، یکی از مضامین اصلی اشعار گردید.

کسی که بد وطن گفت بی‌وطن بادا که بر وطن نزند طعنه غیر بی وطنی

(دیوان رهی معیری، ۱۳۸۵، ۲۹۱)

مختصات ادبی:

واج آر ایی و تکرار: مراعات نظیر در برخی از غزل‌های رهی آمده است. همچنین شاعر یک واج را بارها تکرار کرده و از تکرار آنها آهنگی زیبا و دلنشین ساخته است.

چمن بیهم نشین زندان جان است صفای بوستان از دوستان است

(دیوان رهی معیری، ۱۳۸۵: ۱۳۸)

غمی در سایه جانان نداری و گر جانان نداری جان نداری

تضاد:

بین کلمات پیدایی و پنهانی، نسپاری و بسپاری، نستانم و بستانی، شب و صبح، خار و گل، گریه و خنده، فنا و بقا؛ بلند و کوتاه آرایه‌ی تضاد وجود دارد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

افزونی علاقه شاعر در آراستن کلام خود به تضاد، این روش بیانی را در شعر شاعر بارز نموده است.

در سینه سوزانم، مستوری و مهجوری — در دیده بیدارم، پیدایی و پنهانی
دل با من و جان بی تو، نسپاری و بسپارم — کام از تو و تاب از من نستانم و بستانی

تشبیه محسوس به محسوس(به اعتبار طرفین آن):

پایمال مردمم از نارسایی‌های بخت — سبزه‌ی بی‌طالعم در زیر پا افتاده‌ام
(دیوان رهی معیری، ۱۳۸۵ :۲۳)

تشبیه محسوس به محسوس: تشبیه شاعر به سبزه

چون زلف توام جانا، در عین پریشانی — چون بادسحرگاهم، دربی سروسامانی

مختصات زبانی:

کاربردهای کهن و منسوخ واژه‌ها:

گرچه خاموشم ولی آهم بر گردون می رودپ — دود شمع کشته ام، در انجمن پیچیده ام
(دیوان رهی معیری، ۱۳۸۵: ۲۶)

کشته به معنی خاموش، اصطلاحی قدیمی و کم کاربرد است که امروزه استعمال نمی شود.

جان فدا کردیم و یاران قدر ما نشناختند — کور باداء دیده ی حق ناشناس دوستی
(همان :۶۷)

معرفی اجمالی طاهر بیگ جاف:

طاهر بیگ جاف، فرزند عثمان پاشا فرزند محمد پاشای جاف - از خاندان های سرشناس کرد عراقی - بود. - به سال ۱۸۷۵ میلادی (=۱۲۵۹ه. ق) در شهر حلبچه به دنیا آمد و سال ۱۹۱۷ میلادی (=۱۳۳۷ه. ق) در سن ۴۲ سالگی از دنیارفت. هنگامی که هفت سال داشت به مدرسه‌ی علوم دینی فرستاده می‌شود و در آنجا قرار دیوان‌های شاعران بزرگی فارس و کرد همچون سعدی، حافظ، شیخ رضا، نالی، باباطاهر عریان و نیز عربی به خوبی فرامی‌گیرد. همچنین به سبب سلطه‌ی انگلیس، با زبان انگلیسی و فرانسه آشنا می شود. سرزمین کردستان به واسطه‌ی وضعیت جغرافیایی خاص خود که در کوهستان و مناطق سرسبز واقع شده - است، نیز به سبب دارا بودن آداب و رسوم کهن و زیبا و تاریخ پر افتخار و مردمان دلیر و مبارز، دریای بیانتهای ادب و فولکلور و هنر را در خود جای داده است. یکی از خاندان‌هایی که آثار و خدمات ادبی و فرهنگی بارزی از خود به جانهادند، عشیره‌ی جاف بود. این خاندان برای کردستان - همچون کتابخانه‌ای عمومی - از عالمان و دانشمندان حمایت کرده و از میان ایشان هم عالمان و ادیبانی برخاسته‌اند که مایه‌ی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

افتخار تاریخ ادبیات کردی هستند. احمد مختار بیگ جاف و طاهر بیگ جاف از آنجمله‌اند؛ احمد مختار با افکار و اشعار حماسی - انقلابی، طاهر بیگ نیز ادبیات را وقف زیبایی و طبیعت و سرشت ادبی آن کرده بود. گویا طاهر بیگ به افکار فلسفی تمایل داشته و او هم مثل ارسطو دنیا را هیچ و پوچ می دانسته است. پس وقتی پدرش از وی می‌خواهد و الی ناحیه‌ای شود، آن را قبول نمی‌کند و برای او زندگی توأم با شاعری و مستی، خوشایندتر از حکمرانی بر مردم بوده است.

سبک و شیوه‌ی شاعری

او طاهر بیگ جاف از شاعران برجسته ی کرد عراق، مقارن با دوره قاجاری در ایران است. غزلهای او از سلاست و روانی خاصی برخوردار است، به نحوی که برای خاص و عام قابل فهم و درک می‌باشد. وی شاعری شیرین کلام و شیرین زبان است. شعرهای کردی او در قالب ها و اوزانی سروده شده‌اند که اشعار کهن فارسی نیز در آن اوزان و قالب‌ها هستند (سجادی، ۱۳۶۱: ۵۶). عبدالخالق پرهیزی در کتاب «وزن شعر کردی»، وزن اشعار کردی را همانند وزن اشعار فارسی دانسته است. وزن عروضی در کردی عینا مانند عروض فارسی است، یعنی وزن کمی و ترتیب خاص هجاهای کوتاه و بلند مبنای وزن می باشند (پرهیزی، ۱۳۸۵: ۱۱۱). وی علاوه بر اشعار کردی، ابیات فراوانی هم به فارسی دارد. اکثر شعرهای وی در قالب غزل بوده و به شیوهی اشعار کلاسیک کردی سروده شده است. «اشعار کلاسیک به آن دسته از اشعار اطلاق می شود که از طرفی در مقابل شعر فولکوریک و از طرف دیگر در مقابل شعر معاصر، بخصوص شعر نو قرار می‌گیرند. نیز شعر معاصر، منظور اشعاری است که بعد از جنگ جهانی اول سروده شده‌اند و مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر نهضت‌های ادبی نو قرار دارند؛ ولو اینکه از لحاظ قالب و صورت مانند شعر کلاسیک باشند. بنابراین اصطلاح شعر کلاسیک از جهتی با اصطلاح شعر سنتی در فارسی یکی است و در عین حال دقیقا با مفهوم آن مطابقت نمی‌کند. چون شعر سنتی فارسی به اشعار معاصری هم که از لحاظ قالب و صورت قدیمی هستند نیز اطلاق می‌شود. به این ترتیب آن جریان ادبی را که با ملای جزیری، فقیه طیران و علی حریری در سده‌ی دهم و یازدهم شروع و به شاعرانی چون ادب، طاهر بیگی جاف، احمد مختار جاف، مجدی، سالم سنه، حمدی و ناری و زیور در اوائل قرن چهاردهم هجری و قرن بیستم میلادی خاتمه می‌یابد، شعر کلاسیک می نامند (پرهیزی، ۱۳۸۵: ۶۶).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مختصات فکری

بازتاب علوم:

منبع الهام شاعر در شمار قابل توجهی از تشبیهات معلومات ریاضی، طبی، علمی و نجومی است. بازتاب این علوم در شعر، تصاویری زیبا را به وجود آورده است. این تصاویر در همه‌ی قلمروها از جمله مدح و وصف معشوق و طبیعت دیده می‌شود.

مهربووته حه یاتم به بیاره و به دیاری　　خوزگه م به سه گی قاپیه که ی قوتبی مه‌داری

(دیوان طاهر بیگی جاف، ۹۱: ۱۳۹۰).

اعتقاد به قضا و قدر و جبرگرایی:

علاقه‌ی شاعر به مفاهیم عقلی و فلسفی و عرفانی موجب آوردن چنین تشبیهات و ترکیباتی در شعر وی شده است. اعتقاد به جبر و قضا و قدر که یکی از اصول اساسی تفکر اشعری بوده، در این اشعار نمایان شده است.

به م حاله وه پیم سه یره یه کی دیکه له جیمه　　لهم ریگه یه ته قدیری ئه زه ل وابوو که ئیمه

(دیوان طاهر بیگ جاف، ۱۳۹۰: ۳۷)

بازتاب فرهنگ اسلامی و اشارات مذهبی، ملی و تاریخی در تصاویر شاعر فرهنگ مذهبی قوی است؛ اشاراتی به احادیث و قرآن مشاهده می‌شود و تقدس ممدوح در بعضی از تصاویر مراد است. این ابیات زیباترین تشبیهاتی هستند که برخاسته از فرهنگ مذهبی شاعر است. جملات، لغات و ترکیباتی مانند: من‌الجنهٔ و الناس، لولاک، رحمت اللعالمین، شفیع المذنبین، بحمدالله، کافر؛ که اصطلاحات دینی و اسلامی می‌باشند.

قهت له خه رمانی ئیتاعه ت یه ک قه دهم پیشو نه چووم ئیسته من قانیع به خوشه ی ئایه تی «لا تقنطووم»

(دیوان طاهر بیگ جاف، ۱۳۹۰ : ۱۰۹)

نعت و منقبت پیامبر (ص) و بزرگان دینی

غزل‌ها و ابیاتی که شاعر با مدح و ستایش پیامبر (ص) و اهل بیت او سروده است، فرهنگ مذهبی شاعر را نمایان می‌کند. همچنین لغات و اصطلاحات عربی و ترکیبات قرآنی به چشم می خورد که این ترکیبات و لغات و اصطلاحات عربی برگرفته از احادیث و آیات قرانی می‌باشند. علاوه بر این، یکی از زمینه های علاقه شاعر، اشاره به داستان‌های ملی و اساطیری و تاریخی و بویژه مذهبی است که بیشتر بنای تشبیهات او بر آنها نهاده می شود. شمار تلمیحات شعر او به فرهنگ اسلامی متنوع‌تر است و نشان آن دارد که فرهنگ دینی به‌سان سرچشمه ای قوی و پربار، ذهن و ذوق شاعر را تغذیه و در شعر او بازتاب پیدا می‌کند و نشان‌دهنده توجه شاعر به معارف اسلامی و دینی است. نیز در اشعار خویش اشاره به داستان‌های قرآنی،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

حدیث و اندیشه‌های دینی دارد. این ابیات در نعت و ستایش پیامبر (ص) می‌باشند. واژگان علم الیقین، انبیا و مرسلین، روح الامین، اتقیا، سرمه خاکبین و رحمت العالمین برگرفته از فرهنگ اسلامی هستند.

مه تلهعی سوبحی سه عاده ت مه زهه ری « علم الیقین» ئه‌ی سپه سالاری فه‌وجی نه نبیا و مورسه لین

(دیوان طاهر بیگ جاف، ۱۳۹۰ :۱۰۷)

بدیع لفظی:

واج‌آرایی و تکرار

په نجه ت که بو خونیریژی دهلیی شیر و په له نگه ئه ی په رتهوی ره نگه ت وه کوو ره نگی هه مه ره نگه

(دیوان طاهر بیگ جاف، ۱۳۹۰ : ۱۱۱)

بدیع معنوین

تضاد (تشبیه برپایه ی تضاد):

تضاد بین خار و گل؛ ظلمت و کفر؛ نور و ایمان؛ سنگ و آینه، وجود دارد. شمار زیادی از اشعار طاهر بیگ جاف به صناعات ادبی آراسته شده‌اند، که زیبایی خاصی به اشعار او داده‌اند. در ابیات فوق شاعر دو مفهوم متضاد را در دو سوی مصراع‌های خود نشان داده که افزونی علاقه‌ی شاعر در آراستن کلام خود به تضاد، روش بارز بیانی را در شعر شاعر رقم زده است.

گوله ره فیقی خاره، شه رابه پر خوماره گه نجه ئه نیسی ماره، به و بونه وه، به بوونه

(دیوان طاهربیگی جاف، ۱۳۹۰: ۶۰)

بیان:

تشبیه محسوس به محسوس(تشبیه به اعتبار طرفین):

تشبیه رخ به برگ سمن؛ قد به سرو سمن؛ خط به سنبل؛ چانه به سیب؛ رخ به آذر؛ قد به عرعر؛ لب به کوثر؛ صورت به گل و ریحان؛ مو به کمند؛ ابرو به کمان؛ شاعر زیبایی معشوق خود را با پدیده های طبیعی توصیف کرده است.

طاهر بیگ از میان روش‌های بیانی، بیشتر به ترکیبات تشبیهی و تشبیه حسی به حسی بهره برده و اشعار خود را به این صناعات ادبی آراسته است؛ این نوع از تشبیه بیشترین کاربرد را در دیوان او دارد.

به زیبایی رخ نازکتر از برگ سمن داری به رعنایی قد چابکتر از سرو چمن داری

نوای دلکش بلبل خط خوشبوتر از سنبل داری بهای یاسمین و گل، بهر سیب و ذقن داری

به رخ آذر، به بو عنبر، به قد عرعر، بدن مرمر به لب کوثر، به تن گوهر، دهانی چون شکر داری

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مختصات زبانی

کاربردهای کهن و منسوخ واژه‌ها:

"همی" در سبک خراسانی رایج است و از مختصات زبانی این سبک می‌باشد که امروزه کاربردی ندارد چون لغتی کهنه و قدیمی است و به جای آن، "می" استعمال می‌شود.

طاهر نفس تو در خواب غروراست همی سعی کردم که شود لحظه‌ای بیدار و نشد.

(دیوان طاهر بیگ جاف، ۱۳۹۰: ۱۴۸)

واژه‌های عربی:

لغات و اصطلاحات عربی و ترکیبات قرآنی به چشم می‌خورد که برگرفته از احادیث و آیات قرآنی می‌باشند. لغات و ترکیباتی مانند: من الجنهٔ و الناس، لولاک، رحمت اللعالمین، شفیع المذنبین، بحمدالله، شافع، اثیم، انور، بصیرت و. . . . این ابیات در مدح و ستایش پیامبر (ص) می باشند. واژگان علم الیقین، انبیا و مرسلین، روح الامین، اتقیا، سرمه خاکبین و رحمت العالمین بر گرفته از فرهنگ اسلامی هستند.

قه ت له خه رمانی ئیتاعه ت یه ک قه دهم پیشو نه چووم

ئیسته من قانیع به خوشهی پایه تی «لا تقنطووم»

اشتراک در مضامین اسلامی و اخلاقی

اشعار و مدایح دینی، در شعر هر دو شاعر مشاهده می‌شود (تشابه)؛ در اشعار طاهر بیگی جاف، پس از مضمون عشق، مضامین دینی، امر به معروف و نهی از منکر و مسائلی که در شعر کهن فارسی نیز موجود است، بازتاب بیشتری دارد. مدایح وی هم بیشتر شبیه به مدایح اهل سنت که نشانگر اعتقادات و باورهای وی است (تفاوت). برخلاف طاهر بیگ، در مدایح دینی رهی معیری، جلوه‌هایی از مذهب تشیع نمایان است (تفاوت). البته این امر با توجه به مذاهب آنان، طبیعی می‌نماید.

قضا به حضرت او تابع است و فرمانبردار　　قدر به درگه او چاکر است و خدمتکار

(دیوان رهی معیری، ۱۳۸۵: ۴۱)

بر میان بسته چو جوزا کمر چاکریش　　شاه دین، خواجه، لولاک، محمد که دو کون

از طاهر بیگ: طاهر:

نفس تو در خواب غرور است همی　　سعی کردم که شود لحظه‌ای بیدار و نشد

(دیوان طاهربیگی جاف، ۱۳۹۰: ۱۴۸)

ژیان، جوانی ده مینی لی به ته نیا　　وه ره تاهیر مه به سته دل به دنیا

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مختصات ادبی:

اشتراک در قالب های شعری:

قالب شعری مورد استفاده هر دو شاعر، غزل است (تشابه) اما رهی‌معیری در دیوانش چند قطعه، قصیده، رباعی، مثنوی و ترانه هم دارد. اشعار طاهر بیگ جاف بیشتر، از سبک بازگشت ادبی متأثر بوده است. سبک اشعار رهی‌معیری نیز باز گشت می‌باشد ولی بیشتر، از سبک عراقی بویژه از سعدی پیروی نموده است (تفاوت).

از رهی:

در سینه ی سوزانم مستوری و مهجوری — در دیده ی بیدارم پیدایی و پنهانی

من خاکم و من گردم من اشکم و من دردم — تو مهری و تو نوری، توعشقی و تو جانی

(دیوان رهی معیری، ۱۳۸۵ :۲۰)

از طاهر بیگ:

قوربانی رخت بم که شکه ستی به قه مه ردا — حه یرانی له بت بم که ره واجی به شه که ردا

(دیوان طاهر بیگی جاف، ۱۳۹۰: ۳۴)

اشتراک در تضاد:

با توجه به فصل رهی و ابیات زیر، افزونی علاقه شاعر در آراستن کلام خود به تضاد، این روش بیانی را در شعر شاعر بارز نموده است. همچنین شمار زیادی از اشعار طاهر بیگ‌جاف به صناعات ادبی آراسته شده‌اند، که زیبایی خاصی به اشعار او داده‌اند. در ابیات فوق شاعر دو مفهوم متضاد را در دو سوی مصراع‌های خود نشان داده که افزونی علاقه‌ی شاعر در آراستن کلام خود به تضاد، روش بارز بیانی را در شعر شاعر رقم زده است؛ بنابراین از نظر استفاده از آرایه‌ی معنوی تضاد، هر دو شاعر گرایش زیادی داشته‌اند.

از رهی:

چون صبا ز خار و گل، ترک آشنایی کن — تا به هر چه روی آری، روی آشنا بینی

(دیوان رهی معیری، ۱۳۸۵: ۳۱)

از آرامم جدا، از فتنه روی دلارامی — سیه‌روزم چو شب در حسرت صبح بناگوشی

(همان: ۴۱)

داغ جانسوز من از خنده خونین پیداست — ای بسا خنده که از گریه جگرسوزتر است

(همان:۲۰۴)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

اشتراک در تشبیه محسوس به محسوس

تشبیه به اعتبار طرفین: در اشعار رهی، تشبیهات محسوس به محسوس او بیشتر از تشبیهات معقول به معقول و تفضیلی و محسوس به معقول می‌باشد. طاهر بیگ نیز از میان روش‌های بیانی، بیشتر به ترکیبات تشبیهی و تشبیه حسی به حسی بهره برده و اشعار خود را به این صناعات ادبی آراسته است؛ این نوع از تشبیه بیشترین کاربرد را در دیوان او دارد.

اشعار رهی‌معیری آراسته به صنایع بدیعی و بیانی است، ولی شیوه و اسلوب خاص خود را دارد و با وجود شباهت به شعرای مختلف، طرزی منحصر به خود پیش گرفته است. تشبیهات نو و تعبیرات تازه در شعر او، فراوان دیده می‌شود. در مورد طاهربیگ نیز، ابیات او به صنایع بدیعی و بیانی آراسته شده است؛ صنایعی چون موازنه و ممائله، انواع تشبیه، مجاز، کنایه، تشخیص، مراعات نظیر، واج‌آرایی، جناس، تکرار و اغراق، تلمیح به آیات و احادیث از نوع درج قسمتی از آیه و حدیث و اشاره به مضمون آیات. در مقایسه، آرایه‌های لفظی و بازی‌های زبانی در اشعار طاهر بیگ به نسبت آرایه‌های بیانی و بدیع معنوی، طیف گسترده‌تری را به خود اختصاص داده است؛ هر چند ساده‌تر به نظر می‌آیند. اما رهی معیری در به کارگیری انواع آرایه‌های بیانی و بدیعی توانمند و استاد بوده و با ظرافت خاصی از آنها بهره برده است. ناگفته نماند که هر دو شاعر بیشتر از قالب غزل بهره برده‌اند.

نتیجه‌گیری:

از نظر ویژگی‌های فکری، عشق و مضامین عاشقانه در شعر هر دو شاعر نمود بارزی یافته است. مدایح دینی در شعر آنها مشاهده می‌شود؛ مدح شخصیت‌های دینی بخصوص مدح مراجع طریقت که با خضوع و خشوع خاصی بیان شده است، از ویژگی‌های اشعار دینی طاهر بیگ است؛ مدایح او شبیه به مدایح اهل سنت است. اما در مدایح رهی معیری جلوه‌هایی از مذهب تشیع همچون منقبت امامان (ع)، نمایان شده است که با توجه به مذهب آنان، طبیعی می‌نماید. از مضامین دیگری که در شعر هر دو شاعر نمایان است، به این موارد می‌توان اشاره نمود: بهره‌گرفتن از مضامین موجود در شعر کهن فارسی مانند شکایت از روزگار، موتیف قحط وفا، شکایت از بی وفایی معشوق، غم گرایی، زبونی عاشق، علو مقام معشوق؛ پند و اندرز و عبرت‌گرفتن از گذشت روزگار؛ اعتقاد به قضا و قدر، جبرگرایی، اعتقاد به تأثیر سیارات و ستارگان بر سرنوشت آدمی؛ اشاره به علومی همچون علم نجوم؛ طب، موسیقی و ریاضی؛ اشاره به بازی هایی مانند چوگان، شطرنج در شعر آنها و قمار، در شعر طاهر بیگی جاف. وطن خواهی و ناسیونالیسم و مضامین نو مانند دفاع از حق زنان، استعمارستیزی و توجه به ملیت اصیل ایرانی در اشعار او بازتاب گسترده‌ای دارد اما در اشعار طاهر بیگ این مضامین به چشم نمی‌آید. در اشعار طاهر بیگ بیشتر مضامین دینی، امر به معروف و نهی از منکر و مسائلی که در شعر کهن فارسی نیز موجود است، دیده می‌شود و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

نشانی از مضامین وطن خواهی و اشعار ملی و ناسیونالیستی نیست. اما از نظر ادبی، اشعار هر دو شاعر، آراسته به صنایع بدیعی و بیانی مانند: جناس، تصدیر، واج آرایی و تکرار، اغراق، مراعات‌النظیر، تلمیح به آیات و احادیث از نوع درج قسمتی از آیه و حدیث و اشاره به مضمون آیات، انواع تشبیه، استعاره و تشخیص، مجاز و کنایه و. . . است. تشبیهات نو و تعبیرات تازه در شعر رهی معیری، فراوان دیده می شود. او در موضوعات مختلف، تشبیهات تازه آورده و کلام خود را به سر حد لطافت و رقت رسانده است. با آنکه رهی از نازک خیالی‌های صائب و به طور کلی از رقت و ظرافت سبک هندی بی‌بهره نمانده است، معذالک بیان او با کلام شاعران عهد صفوی فرق بسیار دارد. زیرا نازک خیالی را با فصاحت در آمیخته و شور و رقت را با قوت و انسجام توأم ساخته است. از طرفی طاهر بیگ جاف هم شاعری توانا بوده که اغلب اشعار او یکدست و منسجم است. او تحت تأثیر شعر فارسی قرار گرفته است ولی در عین حال ویژگی‌های خاص خود را دارد. از مقایسه‌ی آرایه‌های ادبی آنها، به این نتیجه دست می‌یابیم که بدیع لفظی در اشعار طاهر بیگ به نسبت آرایه‌های بیانی و بدیع معنوی، طیف گسترده‌تری را به خود اختصاص داده است؛ هر چند ساده تر به نظر می‌آیند. اما رهی‌معیری در به کارگیری انواع آرایه‌های بیانی و بدیعی توانمند و استاد بوده و با ظرافت خاصی از آنها بهره برده است. به لحاظ ویژگی‌های زبانی، رهی معیری از افعال و لغات مهجور و قدیمی مانند: مر، همی، الف دعایی، شنیدستم و مانند این‌ها بهره برده است. اما طاهر بیگ جاف در اشعارش واژه‌های ترکی و فارسی را به کار برده است؛ همچنین در شعر رهی افعال پیشوندی بیشتری دیده می‌شود و در مقابل، واژه‌های عربی در اشعار طاهر بیگ جاف، طیف گسترده‌تری را به خود اختصاص داده است. به طور کلی، هر دو شاعر بیشتر از قالب غزل بهره برده‌اند. اوزان و قوافی به کار رفته در شعر این دو شاعر با اوزان و قوافی اشعار شاعران سبک عراقی منطبق است؛ هر دو شاعر از اوزان بحر مثمن بیشتر استفاده کرده‌اند. با این تفاوت که طاهر بیگ در اشعار او را می خویش، از وزن ده هجایی بهره برده است یعنی هر مصراع از ده هجا تشکیل می‌شود که در وسط مصراع، بعد از هجای پنجم، مکثی دارد. قوافی و ردیف‌های آنها به هم مانده است و هر دو از ردیف های فعلی بسیار بهره برده‌اند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اذر، اسماعیل (۱۳۸۷) ادبیات ایران در ادبیات جهان، تهران: سخن، چ اول
ـ اسلامی، ندوشن، محمدعلی (۱۳۴۹) جام جهان بین، در زمینه نقد ادبی و ادبیات تطبیقی، تهران: مصور
ـ پرهیزی، عبدالخالق (۱۳۸۵) وزن شعر کردی، تهران: انتشارات کتاب زمان
ـ روحانی، بابا مردوخ، به کوشش ماجد مردوخ تهرانی (۱۳۶۴) تاریخ مشاهیر کرد، تهران انتشارات صدا و سیما
ـ سجادی، علاء الدین (۱۳۶۱) میژویی ادبی کوردی، (تاریخ ادبیات کردی) سردشت، معارف
ـ شمیسا، سیروس (۱۳۷۹) سبک شناسی، نظم تهران، میترا، چاپ نهم
ـ غلامرضایی، محمد (۱۳۷۷) سبک شناسی شعر فارسی، تهران: جامی
ـ معیری، محمد حسن (۱۳۸۰) دیوان کامل رهی معیری، تهران: سپهر ادب
ـ یا حقی، محمد جعفر (۱۳۷۸) جویبار لحظه‌ها، ادبیات معاصر فارسی تهران: انتشارات جام

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]